

## زیان ۱۸ میلیارد دالری صنعت گردشگری امریکا

در روزنامه "یو اس ای تودی" آمده است که فرمان اجرایی تازه ضد مهاجرتی دونالد ترامپ رییس جمهوری امریکا در ماه مارچ، ممکن است زیان‌های سنگینی بالغ بر ۱۸ میلیارد دالر در ۲ سال آینده به صنعت گردشگری این کشور وارد کند.

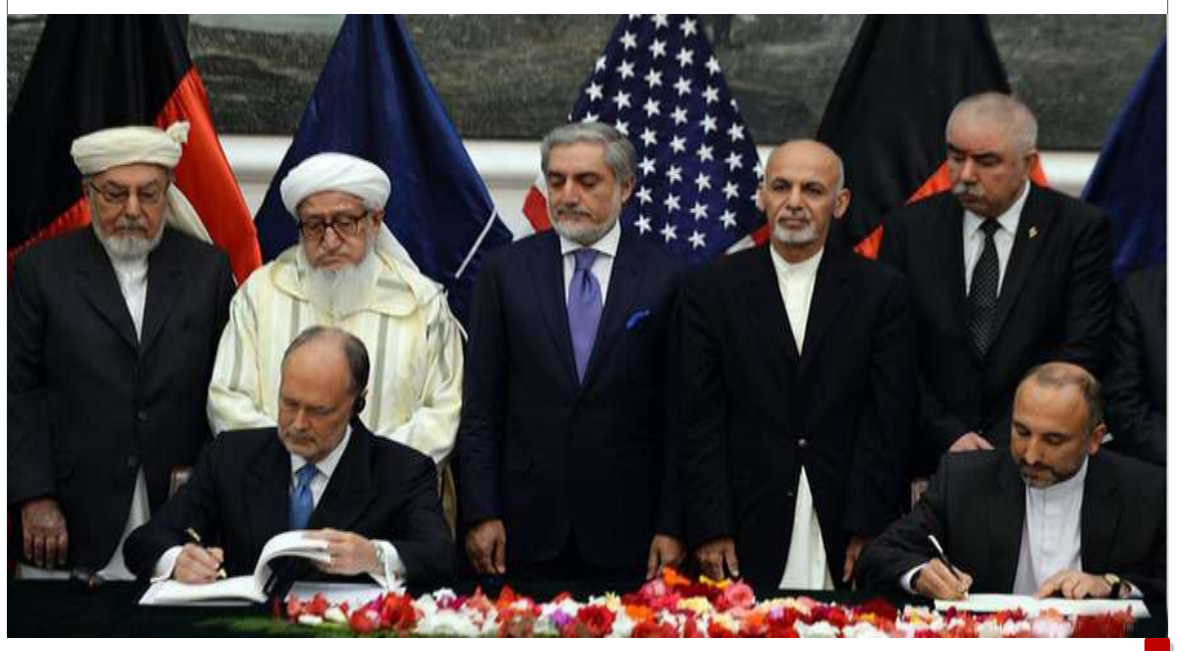
مسئولان و مدیران امور گردشگری و مسافرتی امریکا می‌گویند که فرمان‌های اجرایی نخست و دوم ترامپ درباره محدودیت سفر به خاک امریکا، منجر به کاهش تمایل مردم جهان برای سفر به این کشور شده است.

گفته می‌شود، گردشگری خارجی سالانه ۲۵۰ میلیارد دالر برای ایالات متحده درآمد به همراه دارد و بر اساس فرمان دوم ترامپ، شهروندان ۶ کشور اسلامی به صورت مؤقت از سفر به ایالات متحده، محروم می‌شوند.

فرمان دوم رییس جمهوری امریکا درباره محدودیت مهاجرت و سفر به امریکا در پی صدور حکم یک قاضی فدرال ایالت هاوایی در مورد توقف اجرای آن، با شسکت تازه‌یی روبرو شد.

شماره ۱۲۶ سال چهارم، یکشنبه، ۱۳ حمل ۱۳۹۶ هجری خورشیدی، ۲ اپریل ۲۰۱۷

## سرافکنندگی ناسیونالیزم افغانی



بهم آزاد

افغانستان جغرافیای بدون در و دیوار است. ناسیونالیزم کذایی افغانی، که سنگ دفاع از این آب و خاک را به سینه می‌زند، همواره میزبان دست به سینه‌ی مهمانان ناخوانده از برون بوده‌اند. این امتیاز سبب گردیده تا بازیگران سیاسی در این حیاط خلوت، با خیال راحت با رقبای شان زور آزمایی نمایند. اعیان اجتماعات چندین قومی (اعم از سنتی و مدرن) در این کشور هر کدام بر مبنای توان اجتماعی و ظرفیت سیاسی شان در این میزبانی شریک بوده و به کمیت‌های مختلف از دست برتر برونی‌ها حمایت و در همیاری سیاسی با آن منابع بهترین حشردهندگان به حساب آمده‌اند.

در جریان پنج قرن اخیر (از عهد امپراطوری صفوی، مغولیه، انگلیس تا عصر روسیه و نظم امریکایی) همواره مراکز اصلی تصمیم‌گیری‌ها در مورد این جغرافیا، در برون قرار داشته و در داخل با استخدام نیروهای اجیر و مستمری خور، در پی دسترسی به اهداف شان بوده‌اند.

بخش دوم ۳

### قرارداد بازسازی هفده شبکه آبرسانی امضا شد

به گزارش خبرگزاری رشد، عبدالقدیر جواد معین مالی و اداری وزارت زراعت هنگام عقد این قرار دادها گفت: شبکه‌های آبرسانی در سه ولایت (کابل، پروان و لوگر) به صورت عصری اعمار می‌گردد.

مسئولین وزارت زراعت و مالداري کشور دیروز شنبه طی مراسم خاص، قرار داد بازسازی هفده شبکه آبرسانی را با شرکت‌های خصوصی داخلی به امضاء رساندند.

معین مالی وزارت تصریح کرد: از ۱۷ شبکه آب رسانی، ۶ شبکه آن در ولسوالی‌های قره باغ و ده سبز ولایت کابل، ۷ شبکه در ولسوالی‌های بگرام، چاریکار و مرکز ولایت پروان و ۴ شبکه دیگر در ولایت لوگر اعمار می‌گردد.

آقای عبدالقدیر گفت: هزینه این قراردادها ۱۱۹ میلیون افغانی است که از بودجه انکشافی وزارت زراعت پرداخت می‌گردد.

معین مالی وزارت زراعت افزود: با تکمیل شدن این شبکه‌ها بیش از ۱۵ هزار هکتار زمین آب یاری شده و ۶۳ هزارو ۶۸۰ روز کاری برای محل فراهم می‌گردد.

آقای عبدالقدیر در ادامه گفت: با تطبیق قراردادهای ذکر شده بیش از ۳ هزارخانواده از آب مستفید می‌گردد.

معین وزارت زراعت گفت: تطبیق این پروژه‌ها از ۴۰ درصد ضایعات آب جلوگیری کرده و در کنار آن ۲۰ درصد محصولات زراعتی را افزایش داده و ۱۵ درصد به ساحات سبز کمک می‌کند.

در همین حال انجینر صاحب خان عضو مجلس نمایندگان با بیان اینکه هر چاه آب باشد زندگی است گفت: افغانستان غنی از منابع طبیعی است، اما اداره و مدیریت ندارد.

### افزایش ناامنی‌ها در کندز و سه پارچه دانش آموزان به ولایات دیگر

روزانه ده‌ها دانش‌آموز در کندز به علت تهدیدات امنیتی از مکتب‌ها سه‌پارچه می‌گیرند و به ولایت‌های دیگر می‌روند.

مسئولان ریاست معارف کندز با بیان این مطلب می‌گویند که گسترش ناامنی‌ها و تبلیغات منفی دشمن سبب شده است که شماری از خانواده‌ها این شهر را ترک کرده و فرزندان شان را برای ادامه آموزش به ولایت‌های دیگر تبدیل کنند.

آنان می‌گویند، از سال گذشته‌ی خورشیدی تاکنون ۳۰۰۰ دانش‌آموز، مکتب‌های این ولایت را ترک کرده به کابل و ولایت‌های همجوار کندز سه‌پارچه کرده‌اند.

رستم خان احمدی، رییس معارف کندز به سلام‌وطندار می‌گوید که تبلیغات منفی در میان شهریان این ولایت از افزایش ناامنی‌ها در بهار امسال، سبب شده است که روزانه به گونه‌ی میانگین تا ۶۰ دانش‌آموز، برای تبدیلی به ولایت‌های دیگر به این ریاست مراجعه کنند.

به گفته‌ی او، این آمار در حال افزایش است. از سوی هم شماری از خانواده‌هایی که برای طی مراحل سه‌پارچه فرزندان شان به ریاست معارف کندز آمده‌اند نیز می‌گویند، ادامه‌ی ناامنی‌ها و ترس از سقوط این شهر به دست طالبان، سبب شده است که این ولایت را ترک کنند.

اما مسؤولان فرماندهی پولیس کندز می‌گویند که نیروهای امنیتی توانمند شده‌اند و دیگر اجازه تصرف این ولایت را به طالبان نمی‌دهند. عبدالحمید حمیدی، فرمانده پولیس کندز می‌گوید، امسال در هماهنگی با دیگر نیروهای امنیتی تلاش دارند تا امنیت این ولایت را به گونه‌ی بهتر تأمین کنند.

بر بنیاد آمارهای ریاست معارف کندز، در حال حاضر بیش از ۳۰۰ و ۳۰ هزار دانش‌آموز در ۵۰۴ مکتب در این ولایت سرگرم آموزش‌اند که از این میان بیش از ۱۲۰ هزار آنان دختران هستند.

بخش دوم

صدای مردم

توغل

## راز قلب دور دوم انتخابات گوسفندی ۲۰۱۴ م



در دور دوم انتخابات گوسفندی (۲۰۱۴م)، جغرافیای بشری افغانستان توسط تیم قلب به دقت تمام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. روش کار در این اسناد نشان می‌دهد که: ترکیب هویتی، زبانی، گرایشات سیاسی، شبکه‌های معامله، رهبران ساختارهای اجتماعی، فرصت‌طلبان و مغرضان سودجوی محلی، آرمان‌ها و آرزوهای مردم همه و همه در سرتاسر افغانستان مو به مو ارزیابی شده است.

قرا و قصبات، ساختار ادارات محلی، به خصوص ترکیب اتنیکی این محلات از جمله مسایلی بوده که یقینن ماه‌ها و روزها زیر مطالعه قرار داشته و بر مبنای ارزیابی استنتاج آن خصوصیات ایجاد مراکز رأی، تعداد اوراق رأی‌دهی، در آن مراکز و محلات برنامه‌ریزی گردیده است.

براساس آن ارزیابی تخصصی قرار شده در ولایت فراه، که

در دور دوم انتخابات گوسفندی (۲۰۱۴م)، جغرافیای بشری افغانستان توسط تیم قلب به دقت تمام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. روش کار در این اسناد نشان می‌دهد که: ترکیب هویتی، زبانی، گرایشات سیاسی، شبکه‌های معامله، رهبران ساختارهای اجتماعی، فرصت‌طلبان و مغرضان سودجوی محلی، آرمان‌ها و آرزوهای مردم همه و همه در سرتاسر افغانستان مو به مو ارزیابی شده است.

قرا و قصبات، ساختار ادارات محلی، به خصوص ترکیب اتنیکی این محلات از جمله مسایلی بوده که یقینن ماه‌ها و روزها زیر مطالعه قرار داشته و بر مبنای ارزیابی استنتاج آن خصوصیات ایجاد مراکز رأی، تعداد اوراق رأی‌دهی، در آن مراکز و محلات برنامه‌ریزی گردیده است.

براساس آن ارزیابی تخصصی قرار شده در ولایت فراه، که

## منارعه افغانستان و تقابل قدرت‌های جهانی



دارند، روس‌ها را ناچار به توجه روی این منارعه کرده است. مسکو فکر می‌کند، واشنگتن تا زمانی که آسیای میانه یا حوزه نفوذ مسکو را ناآرام نساخته، نیت صادقانه در مورد امنیت افغانستان ندارند.

روس‌ها پیش از این هیچ‌گاه در حمایت از تندروان اسلامی صرف هزینه نکرده است. سرمایه‌گذاری روس‌ها روی جنبش طالبان اولین حرکت روس‌ها را در مورد حمایت از تندروی دینی نشان می‌دهد. اسناد تاریخی حکایت از آن دارند، که روس‌ها روی مسئله قومی در افغانستان مطالعات عمیق و خاص خودشان را دارند.

مسکو در جریان ماه آینده میزبان نشست در مورد چگونگی دست‌یابی به صلح در افغانستان است، اما امریکایی‌ها از حضور در این نشست خودداری کرده است.

در این اواخر نگاه امریکایی‌ها نسبت به چگونگی برخورد روس‌ها در مورد مسئله افغانستان بدبینانه بوده و آن را نوعی مداخله در ساحه نفوذشان می‌دانند. فرماندهان امریکایی در گزارشات شان چندین بار از همکاری روس‌ها با طالبان اظهار نگرانی کرده‌اند. به نظر می‌رسد روس‌ها با پرداخت آن همه هزینه، نمی‌خواستند در منارعه‌ی افغانستان سهم بگیرند، اما موضوع قاچاق مواد مخدر و نگاه تروریسم بین‌المللی به آسیای میانه که به گمان اغلب، سایه امریکایی‌ها در پس آن قرار

صفحه ۳

صفحه ۲

## گپ مردم

### حقارت صاحبان خانه ملت

#### دهاتی

استیضاح سه مقام ارشد امنیتی کشور، از سوی گویا مجلس نمایندگان در هفته گذشته، نشان داد که پس از این مسئولیت تمام نابسامانی‌ها و بی‌امنیتی در کشور به حساب این مجلس برمی‌گردد.

از جامعه‌ی جهانی گرفته، تا کوچک‌ترین سلول‌های اجتماعی در کشور، همگی به این باور رسیده‌اند که اساس بی‌امنیتی در ارگ و سپیدار ریشه داشته، و بسیاری از نظریه‌پردازان و حامیان بی‌امنیتی درون مقامات امنیتی و به ویژه مجلس نمایندگان حضور دارند.

در کنار آن مردم افغانستان حکومت و پارلمان کشور را که دو روی یک سکه‌اند، هیچ‌گاه جدا از هم تلقی نمی‌کنند. به جای نام حکومت و مجلس، به این دو قوه نام دفاتر راهنمای معاملات بزرگ را داده‌اند. هزینه‌ی که حامیان بین‌المللی افغانستان برای گویا حکومت‌داری خوب در نظر گرفته‌اند، اساسن مقداری پول است که در جریان یک سال میلادی برای این دو یا سه شبکه معامله منظور می‌شود.

این شبکه‌ها، که روی دفاع از منافع ضد ملی‌شان مدام درگیر چانه‌زنی و بده و بستان‌اند، از وقایع ناگوار و رخداد‌های خونی که این مردم در دریای آن غوطه می‌خورند، به عنوان ابزار فشار و امتیازگیری از همدیگر استفاده کرده و در بساط شطرنج همدیگر را کیش می‌دهند، اما هیچ‌گاه مات در نظر نیست.

چند روز پس از حادثه خونبار شفاخانه سردار محمد داوود، مجلس ابزار فشار خوب را روی حکومت بدست آورد. اشرف غنی، که از دوری یار دیرین و محبوبش در اضطراب قرار گرفته بود، در نگرانی از این موضوع مجلس را به انحلال تهدید کرد. مجلس در واکنش به این عمل او را غیرقانونی خوانده و می‌خواست از برگ برنده‌ی جدی‌تر که همواره غنی را وجدان آزار می‌دهد، استفاده نماید. در این وضعیت است، که به یکبارگی پس از دادن ضیافت به زمامداران رده بالای مجلس گویا نمایندگان ارگ بار دیگر به صلاحیت گویا قانونی مجلس احترام قایل گردیده و نمایندگان نیز از مجاری نامرئی که حامل پاکت‌های اقطاع بود، سکوت را پیشه و در روز موعود به انتظارات ارگ پاسخ مثبت می‌دهند.

مردم افغانستان در شبکه‌های اجتماعی، پارلمان کشور را چورلمان و پول لمان و یا خانه‌ی زلت خوانده و ناکاره‌گی حکومت را به مثابه گاو شیری برای آن‌ها توصیف کرده است. نمایندگان گویا مجلس ملی تنها در این بازار معاملات با ارگ مصروف نیستند، قاچاق مواد مخدر، توسعه و حمایت از تروریسم، فساد در کشور، غصب اراضی، تبعیض و بی‌عدالتی، عدم توسعه‌ی متوازن، قوم بازی، خویش خوری و در یک کلام همه و همه نابسامانی‌ها زیر پای این مجلس غیرقانونی و این حکومت بدنام قرار دارد.

این معامله که نطفه‌ی آن میان دو تیم حاکم بار اول بسته شد، به تدریج به بهترین بازار اخاذی و سودجویی برای وکلای گویا مجلس مبدل گردیده است. اما بدون تردید این معامله اعتماد نسبت به حکومت و مجلس را از ریشه آسیب رسانده و میزان اضطراب و نگرانی مردم را نسبت به تأمین امنیت در سال پیش رو نهایت افزایش داده است.

این نگرانی در صورتی که مقامات مورد تأیید گویا پارلمان بار دیگر از خود بی‌مسئولیتی و کم‌کاری نشان داده و بهبود در اوضاع امنیتی صورت نگیرد، از این همه بیشتر افزایش یافته و دلبستگی در حمایت از نظام کاهش و روند مخالفت با آن افزایش می‌یابد. موضوعی که تنها به سود تروریسم بین‌المللی و حامیان برون‌ی آن‌هاست.

## راز قلب دور دوم انتخابات گوسفندی ۲۰۱۴

#### صدای مردم افغانستان:

#### بخش دوم

در دور دوم انتخابات گوسفندی (۲۰۱۴م)، جغرافیای بشری افغانستان توسط تیم قلب به دقت تمام مورد مطالعه و بررسی قرار گرفته است. روش کار در این اسناد نشان می‌دهد که: ترکیب هویتی، زبانی، گرایش‌های سیاسی، شبکه‌های معامله، رهبران ساختارهای اجتماعی، فرصت‌طلبان و مغرضان سودجوی محلی، آرمان‌ها و آرزوهای مردم همه و همه در سرتاسر افغانستان مو به مو ارزیابی شده است.

قرا و قصبات، ساختار ادارات محلی، به خصوص ترکیب اتنیکی این محلات از جمله مسایلی بوده که یقینن ماه‌ها و روزها زیر مطالعه قرار داشته و بر مبنای ارزیابی استنتاج آن خصوصیات ایجاد مراکز رأی، تعداد اوراق رأی‌دهی، در آن مراکز و محلات برنامه‌ریزی گردیده است.

بر اساس آن ارزیابی تخصصی قرار شده در ولایت فراه، که ترکیب اتنیکی و گرایش‌های سیاسی و زبانی در اکثر ولسوالی‌ها به نفع تیم قلب جدی بوده، ۹۵۷۸۶ رأی اضافی و اما در ولسوالی‌هایی که به تیم رقیب گرایش داشته، ۳۴۶۷۱ رأی کمبود غرض کاهش آراء، و در ولایت ارزگان که ترکیب قبیله‌ی-اتنیکی طور دیگر است، در چندین ولسوالی همگام با تیم رقیب، ۳۰۹۶۸ رأی اضافی و اما در ولسوالی‌های حامی رقیب، ۱۰۹۱۵ رأی کمبود در نظر گرفته شده است.

برای بادغیس که گرایش‌های مغایر داشته، ۳۰۲۳۰ رأی کمبود منظور شده است. در حالی که در مورد ولایت بامیان که محل مطمئن و خانه‌ی خلوت برای تیم قلب به حساب می‌آمد، ۱۱۲۷۴۴ رأی اضافی را مدنظر گرفته‌اند. این سند می‌تواند، بهترین مدرک خالی از غرض در این کشور تلقی گردیده و بر مبنای آن چگونگی دست‌برد به آرای مردم مورد نقد، بررسی و تحلیل قرار گیرد.

#### جدول تقلب انتخاباتی در ولسوالی‌های ولایات فراه، ارزگان و بامیان:

شماره	ولایت و ولسوالی‌ها	تعداد نفوس طبق آمار ۱۳۹۵	تعداد محلات انتخاباتی در دور دوم ریاست جمهوری	تعداد اوراق رأی ارسالی توسط کمیسیون ۱=۶۰۰	تعداد اوراق رأی مورد ضرورت طبق معادله $\frac{x}{5} \times 2$	تعداد رأی اضافی	تعداد رأی کمبود
۱	مرکز ولایت فراه	۱۱۶۶۳۹	۱۵۸	۹۶۸۰۰	۴۶۶۵۶	۴۸۱۴۴	۰
۲	پشت رود	۴۲۲۰۲	۲۶	۱۵۶۰۰	۱۶۸۸۱	۰	۱۲۸۱
۳	خاک سفید	۳۱۴۶۸	۸	۴۸۰۰	۱۲۵۸۸	۰	۷۷۸۸
۴	قلعه گاه	۳۱۹۵۶	۳۶	۲۱۶۰۰	۱۲۷۸۳	۸۸۱۷	۰
۵	شیب کوه	۲۴۲۷۲	۳۲	۱۹۲۰۰	۹۷۰۹	۹۴۹۱	۰
۶	بالا بلوک	۷۴۱۵۹	۳۰	۱۸۰۰۰	۲۹۶۶۴	۰	۱۱۶۶۴
۷	انار دره	۲۸۹۰۷	۲۰	۱۲۰۰۰	۱۱۵۶۳	۴۳۷	۰
۸	بکواه	۳۶۸۳۶	۵	۳۰۰۰	۱۴۷۳۴	۰	۱۱۷۳۴
۹	لاش جوبین	۲۹۰۲۹	۳۴	۲۰۴۰۰	۱۱۶۱۲	۸۷۸۸	۰
۱۰	گلستان	۴۵۰۰۸	۱۱	۶۶۰۰	۱۸۰۰۴	۰	۱۱۴۰۴
۱۱	پرچمن	۵۵۴۷۷	۷۸	۴۶۸۰۰	۲۲۱۹۱	۲۴۶۰۹	۰
	مجموعه	۵۱۵۹۷۳	۴۳۸	۲۶۲۸۰۰	۲۰۶۳۸۵	۹۵۷۸۶	۳۴۶۷۱
۱	ارزگان (ترینکوت)	۱۰۶۶۵۷	۹۷	۵۸۲۰۰	۴۲۶۶۳	۱۵۵۳۷	۰
۲	دهراود	۶۳۴۵۷	۵۳	۳۱۸۰۰	۲۵۳۸۳	۶۴۱۷	۰
۳	چوره	۵۳۰۵۷	۲۸	۱۶۸۰۰	۲۱۲۲۳	۰	۴۴۲۳
۴	شهید حساس	۶۱۲۳۰	۳۰	۱۸۰۰۰	۲۴۴۹۲	۰	۶۴۹۲
۵	خاص ارزگان	۵۸۶۶۸	۴۵	۲۷۰۰۰	۲۳۶۴۸	۳۵۳۲	۰
۶	چنارتو	۱۳۲۹۵	۱۸	۱۰۸۰۰	۵۳۱۸	۵۴۸۲	۰
	مجموعه	۳۵۶۳۶۴	۲۷۱	۱۶۲۶۰۰	۱۴۲۵۴۶	۳۰۹۶۸	۱۰۹۱۵
۱	بادغیس (قلعه نو)	۶۸۸۶۹	۱۰۹	۶۵۴۰۰	۲۷۵۴۸	۳۷۸۵۲	۰
۲	آب کمری	۷۶۳۵۴	۶۲	۳۷۲۰۰	۳۰۵۴۲	۶۶۵۸	۰
۳	مقر	۲۴۶۳۸	۲۱	۱۲۶۰۰	۹۸۵۶	۲۷۴۴	۰
۴	قادس	۹۴۴۰۶	۸۲	۴۹۲۰۰	۳۷۷۶۳	۱۱۴۳۷	۰
۵	مرغاب	۱۰۰۸۷۰	۳۱	۱۸۶۰۰	۴۰۳۴۸	۰	۲۱۷۴۸
۶	چوند	۸۱۸۴۳	۸۸	۵۲۸۰۰	۳۲۷۳۸	۲۰۰۶۲	۰
۷	غورماچ	۵۷۲۰۷	۲۴	۱۴۴۰۰	۲۲۸۸۲	۰	۸۴۸۲
	مجموعه	۵۰۴۱۸۵	۴۱۷	۲۵۰۲۰۰	۲۰۱۶۷۴	۷۸۷۵۳	۳۰۲۳۰
۱	مرکز ولایت بامیان	۸۶۷۶۶	۸۶	۵۱۶۰۰	۳۴۷۰۷	۱۶۸۹۸	۰
۲	شیبر	۳۰۶۱۵	۳۵	۲۱۰۰۰	۱۲۲۴۶	۸۷۵۴	۰
۳	سیغان	۲۴۸۸۲	۴۸	۲۸۸۰۰	۹۹۵۳	۱۸۸۴۷	۰
۴	کهمرد	۳۷۶۸۹	۴۳	۲۵۸۰۰	۱۵۰۷۷	۱۰۷۲۳	۰
۵	یکاولنگ	۹۰۷۴۷	۹۰	۵۴۰۰۰	۳۶۲۹۹	۱۷۷۰۱	۰
۶	پنجاب	۷۰۷۴۴	۷۲	۴۳۲۰۰	۲۸۲۹۸	۱۴۹۰۲	۰
۷	ورس	۱۱۳۱۹۰	۱۱۷	۷۰۲۰۰	۴۵۲۷۶	۲۴۹۲۴	۰
	مجموعه	۴۵۴۶۳۳	۴۹۱	۲۹۴۶۰۰	۱۸۱۸۵۶	۱۱۲۷۴۴	۰





## برگی از تاریخ

### قرار داد انگلیسی و روس درباره‌ی افغانستان (۱۹۰۷)

"نیکلسون در واقع از مدت‌ها پیش نظریات انگلیسی‌ها را راجع به افغانستان در دست داشت و تا زمانی که روس‌ها نظر خود را درباره ایران روشن نکرده بودند، آن‌ها را افشا نمی‌کرد. سرانجام در ۲۳ فبروری نکات مورد نظر انگلستان را در ۵ مورد به شرح زیر اعلام نمود:

۱- دولت روسیه افغانستان را خارج از قلمرو نفوذ خود می‌داند و قبول دارد که سیاست خارجی این کشور در قلمرو نفوذ انگلستان باشد. ۲- انگلستان در برقراری ارتباط غیرمستقیم در باب مسایل صرفن تجاری و نه سیاسی بین مقامات روسی و مقامات افغانی که از طرف امیر افغانستان تعیین گردد، اعتراضی نخواهد داشت. ۳- از دولت روسیه درخواست می‌شود که از اعزام نماینده به افغانستان خودداری کند. ۴- دولت روس از اتخاذ تدابیر تجاری به نفع خویش در افغانستان دست بردارد. ۵- دولت انگلستان از این‌که هر گونه تسهیلاتی که تجار انگلیسی و هندی در افغانستان از آن بهره‌مند هستند به تجار روسی نیز اعطا شود مخالفی نخواهد کرد.

به نظر می‌رسد که این پیشنهادها قابل قبول واقع شوند ولی این‌که در این بخش امنیت هند به نحو مستقیم‌تری مورد نظر بود، موجب سوء تفاهم بین طرفین می‌گردید.

ایزولسکی درخواست کرد که یک نماینده‌ی تجاری روسی در کابل مستقر شود. انگلیسی‌ها این درخواست را با توجه به این‌که خود آن‌ها در افغانستان نماینده انگلیسی نداشته بلکه این نمایندگی را یک نفر هندی عهده‌دار بود رد کردند.

درباره‌ی تدابیر به نفع تجارت روس ایزولسکی اظهار کرد که چنین منافعی به استثنای تخفیفی راجع به برخی از کالاهای دستی و حقوق دریافتی در مورد مواد اولیه برای روسیه وجود ندارد.

ژنرال پالیتزین حتا ترس خود را از این‌که احتمالاً انگلیسی‌ها دیر یا زود درصدد برآیند مسلمانان افغانی را با همدستی مسلمانان هندوستان علیه مواضع روس‌ها در آسیای مرکزی تحریک کنند به سرهنگ دوم ناپیر ابراز داشته بود. صرف نظر از این فرض بیهوده و باطل، به طور کلی در روسیه این نگرانی وجود داشت که انگلستان ارتش افغان را به کمک معلمان و مربیان انگلیسی تقویت کند، جاده‌ها و خطوط آهن در این کشور بسازد و آن را از حالت کشور میان‌گیر خارج ساخته، تبدیل به نیروی جلودار هندوستان کند.

برطرف کردن این فکر از ذهن روس‌ها که برای رسیدن به یک توافق صادقانه و مستقیم بی‌نهایت زیان بخش بود، که کار مشکلی می‌نمود، با وجود این در سایه‌ی کوشش‌های وزرای مختار دو دولت به نظر می‌رسید که مشکلات در حال حل شدن است.

سرانجام روز ۱۵ می طرح که شامل نظرات عمده روسیه بود و ادوارد گری با بی صبری هر چه تمام‌تر انتظار آن را می‌کشید رسید. این طرح شامل یک مقدمه و ۷ ماده بود. در ماده‌ی اول، دولت روسیه اصل محترم شمردن کشور میان‌گیر را مجدداً تأکید می‌کرد. در ماده‌ی دوم دولت روس افغانستان را به عنوان منطقه‌ی خارج از قلمرو نفوذ خود می‌شناخت و متعهد می‌شد در روابط خود با این کشور با انگلستان مشورت کند.

ماده سوم مربوط به تضمین‌هایی از طرف انگلستان برای تسکین نگرانی‌های روسیه بود: به این معنی که هیچ نوع ضمیمه کردن خاک افغانستان، اشغال آن کشور، مداخله در امور داخلی آن، یا استفاده از نفوذ خود در تشویق افغان‌ها با اتخاذ تدابیر نظامی که روسیه را مستقیمین مورد تهدید قرار دهد از طرف انگلستان اعمال نخواهد شد.

در ماده چهارم، دولت روسیه متعهد می‌شد از اعزام نمایندگان تجاری به افغانستان خودداری کند. هرگونه تغییرات احتمالی و آتی در این تصمیم از طریق تبادل نظر با انگلستان انجام خواهد گرفت. ماده پنجم امکان مبادله روابط مستقیم را بین فرماندهان مرزی راجع به مسایل محلی که از مدت‌ها پیش درخواست شده بود، پیش‌بینی می‌کرد. در ماده ششم، روسیه از اتخاذ تدابیر مفید برای تجارت خود صرف نظر می‌کرد و بالاخره:

ماده هفت، تساوی حقوق را در امور تجاری برای دو کشور معتبر می‌شناخت. اساس این پیشنهادها کاملن رضایت‌بخش و قابل پذیرش بود. در حقیقت این طرح پاسخ مثبتی برای پنج نقطه نظر پیشنهادی انگلیس در ۲۳ فبروری بود: روسیه روی دو نکته اساسی و مهم‌تر از سایر نکات تابع انگلیسی‌ها بود: یکی آن‌که بدون اطلاع انگلستان هیچ‌گونه تماس سیاسی با افغانستان گرفته نشود. دوم آن‌که هیچ نوع مأمور یا نماینده‌ی روسی، از هر نوع در افغانستان اقامت نداشته باشد."

منبع: رقابت روس و انگلیس در ایران و افغانستان،

نویسنده: دکتر پیو-کارلوترنزویو، ترجمه: دکتر عباس آذرین،

صص ۱۵۹ و ۱۶۰

نجیب به حامیان حلقات قومی و اما وابسته به برون همه و همه حکایت از این درد دارد.

نظم سفارشی از برون، که هیچ‌گاه نتوانسته مشروعیت اجتماعی برایش کسب نماید، در رأس هرم همواره از یک نوع مرض مزمن ناآرامی رنج برده و هر حلقه و یا فرد برای بقایش تا حد ممکن کوشیده مشروعیتش را از برون تدارک دیده و با تحمیل بر مردم این نامشروعیت را مشروع جلوه دهد.

در چنین وضعیت آرامش اصطناعی ممکن نیست، امتیاز کلان می‌تواند صاحبان امتیاز پیشین را از راه برداشته و مهره‌های دیگری را به جای مهره‌های کهن جابه‌جا نماید. در این میان رنج مردم به گونه‌ی دیگر استمرار یافته و زیر سیطره عمال مرکز، که توسل به اعمال غیر مشروع و فراقانونی بخشی از ویژگی ذاتی آن است، به شکل بی‌رحمانه‌تری توسعه می‌یابد. توسعه‌ی این وضعیت در دهات، که حالت گذار اقتصادی و سلطه‌ی نظام اقتصاد بازار به فروپاشی زندگی سنتی ممد واقع گردیده، حواشی شهرها را به شکل جبری به کانون زندگی بینوایان و اما ناراض از اعیان بر سر اقتدار مبدل کرده و هر آن ممکن است، جرقه‌ی از کانون زندگی این بینوایان برخیزد و سرانجام تبدیل به آتش خانمان سوز برای اعیان بر سر اقتدار گردیده و دور دیگری از ماجراهای بی‌پیشینه آغاز گردد.

اگر اعیان بر سر اقتدار پیش از این گمان می‌کردند، ناآرامی‌ها در دهات شکل گرفته و مرکز را زیر فشار قرار می‌دهد، هم‌اکنون در اوضاع جدید، که میلیون‌ها روستای فلاکت‌زده از روستاها به شهرها کوچ کرده و در طمع و توقع زندگی مرفه‌تراند، در صورت مایوسی، می‌توانند مرکز را بسیار به آسانی و بدون طی طریق زیر فشار غیرقابل باور قرار دهند.

حاکمیت‌هایی که در مرزهایش هیچ‌گاه نتوانسته در و دیواری ایجاد نماید، با ایجاد دیوار ۱۲ متره بتونی در اطراف حصارش در مرکز اصطناعی نمی‌تواند، امنیتش را تضمین نماید. تضمین امنیت، در تضمین مرزها و تسخیر قلب توده‌هاست.

توسعه‌طلبی قومی هیچ‌گاه درون کشورهای همسایه فراموش نمی‌شود. بسیاری از کشورهای منطقه آرامش در کابل را مساوی به توسعه‌طلبی و دامن زدن به منازعات قومی در جنوب و منازعات فرهنگی و عقیدتی با غرب و یا ایجاد فشار روی اقوام همخون با مردمان آسیای مرکزی می‌دانند. گذشته تاریخی نیز نشان داده که فیل کابل مدام خواب هندوستان می‌بیند. کشورهای همسایه نیک می‌دانند که کابل چگونه در کتب تاریخش از خواب دسترسی به دهلی و نیشاپور پرده برداشته و اگر فرصت یابد، در دسترسی به آن رؤیا و یا از چپاول این مناطق اصطناعی چشم‌پوشی نمی‌نماید.

علل و عوامل زیادی وجود دارد که کشورهای همسایه به اتفاق آراء در محوریت روس‌ها، در تقابل با کابل و حامیان بین‌المللی‌اش قرار گرفته و بار دیگر این کشور را همانند دهه ۱۹۹۰ م می‌خواهند به حمام خون مبدل سازد.

مشکل اصلی و اساسی مردم افغانستان از آنجا ناشی می‌گردد، که زمامداران این کشور هیچ‌گاه بر مبنای اراده‌ی جمعی این اجتماعات انسانی بر اریکه قدرت قرار نگرفته‌اند. این زمامداران مأمورانی بوده‌اند، که به شکل پروژه‌ی برای مقاطع معین و آن هم جهت انجام مأموریت خاص توظیف گردیده و پس از ختم آن پروژه از میان رفته‌اند. این وضعیت تا زمانی ادامه خواهد یافت، که رأس هرم قدرت از مشروعیت انتخاب مردم برخوردار بوده و مطابق اراده مردمش تصمیم گیرد، ورنه در غیر آن این سناریو همچنان ادامه خواهد یافت.

## سرافکنندگی ناسیونالیزم...

توسعه پیدا کرده است. این شبکه‌ها که هر کدام به مقیاس کوچک یا بزرگ از ننگ بردگی اجانب رنج می‌برند، همانند مرغ در قفس صاحبان‌شان محتاج به آب و دانه بوده و بر مبنای کمیت آب و دانه مجبور به خدمت گردیده‌اند.

در ظاهر همه از منافع ملی، درفش ملی، هویت و اهداف ملی دم می‌زنند، اما در واقع غرض از منافع ملی، همانا منافع کشور حامی است. درفش ملی پدیده‌ی جز ظاهرسازی برای استتار درفش حامیان منطوقی و یا جهانی‌شان معنی نداشته است. هویت ظاهری نیز پوششی بود برای هویت حامی که از پشت پرده این سناریو را هدایت می‌نمود. در این میان چیزی که اصطناعی حضور نداشت منافع ملی بود. منافع ملی واژه ترکیبی بود، برای انحراف اذهان عامه، که هرگز نتوانست اسباب قناعت افکار عامه را فراهم سازد.

کردار سلطه در طول این همه مدت همانند بود، میر و ملک قبیله، که با چندین ریسمان در رأس هرم قدرت وصل بود، از بالا نیرو گرفته و در پایین قدرت را توسط عمال کوچک‌ترشان تطبیق می‌کرد. در این زمانه این وضعیت کماکان همانند سابق جریان دارد. فقط نام‌ها فرق کرده و اما کردارها روال معمول را طی می‌نمایند. حکمران، به والی، حاکم به ولسوال، شهنه و محتسب به قاضی، دیوان جزا و استنطاق و تعذیب به مقامات مثلث امنیتی و نیروهای سرکوب‌گر ایلجار و قبیلوی به وزارت دفاع و سلطان مستبد و شاه، همه به رئیس جمهور تغییر نام کرده است.

در این میان نقش نیروهای رزمی به ویژه پس از شکل‌گیری این شبکه در دوران امیر شیرعلی تاکنون سرکوب و تاراج مردم و همیاری با حلقات برونی بوده، سرکوب عبدالرحمانی، کودتای شکارگاه کله گوش لغمان، فروپاشی نظم امنیتی نقش سرکوب‌گر نیروهای نادرخان در شمالی، کودتای ۲۶ سرطان، ۷ ثور، ۶ جدی، کودتای تنی، و ده‌ها طرح‌های کودتایی و حتا فرار صالح محمدخان از جبهه شرق، تا تسلیمی اردوی

## منازعه افغانستان و تقابل...

مانده از رژیم زاده اشغال را تحریک کرد، تا در بخش تخنیکی و فنی این جریان اهریمنی را کمک نماید. حال نیز یقین و دقیقین در این بازی همان حلقات نیونازی، که خواب افغانستان کبیر را می‌بینند، نقش واسطه یا کتلست را به عهده داشته و این دو عنصر نامتجانس را با هم گرده زده است.

نگرانی روس‌ها از موجودیت تروریست‌های داعشی در شمال افغانستان، سبب گردیده تا روس‌ها در جنگ علیه داعش به جای اسد در سوریه، از طالبان در افغانستان استفاده نمایند. اوضاع آشفته‌ی شمال افغانستان، که در آن‌جا هر روز بیشتر از روز پیش ساحات زیر کنترل بیرق‌های سفید و سیاه توسعه می‌یابد، روس‌ها را نسبت به مدیریت جنگ و جلوگیری از نفوذ تروریسم در شمال افغانستان توسط دولت افغانستان مأیوس ساخته است.

نامیدی روس‌ها از مدیریت دولت افغانستان در مبارزه با تروریسم از آن‌جا ریشه می‌گیرد که به گمان غالب حلقات خاص در حمایت از داعش درون ساختارهای امنیتی افغانستان می‌خواهند این جریان را به آسیای میانه انتقال داده و تهددشان را نسبت به حامیان برونی‌شان تکمیل سازند.

وضعیت جدید بیانگر آنست که، روس‌ها به جای ملی‌گرایان قومی، از قوم‌گرایان دینی در افغانستان حمایت نموده و با این ابزار می‌خواهند به مصاف نیروهای توسعه‌طلب دینی اما غیرقومی بروند. مشکل افغانستان مربوط و منوط به یکی از کشورهای منطقه یا همسایه نیست. دیدگاه کشورهای همسایه نسبت به کابل دایم بدبینانه بوده و علاوه بر این، مسئله آب و زمین، ترس از

در گذشته به اعیان سنتی که در رأس رهبری قبایل قرار داشتند، مأموریت داده می‌شد تا با ایجاد قدرت نامشروع در این جغرافیا مطابق منافع آنها دربان و زندان تأسیس نمایند. حال اندکی اوضاع با گذشته تفاوت دارد. مهره‌های انتسابی امروزی، وظیفه دارند تا به نمایندگی از منابع حمایتی‌شان در برون، نیروهای سنتی را مطابق برنامه‌هایی از پیش طرح شده مدیریت نمایند. ترکیب ساختار سیاسی حکومت وحدت ملی در این زمینه بهترین نمود از حاکمیت جدید منابع برونی روی نیروهای سنتی حاکم بر این کشور است.

در جریان این همه مدت، توده‌های رنج‌دیده‌ی این کشور در فقر و فاقه به سر برده و زیر سیطره‌ی مستبدین محلی و منابع حمایتی‌شان در مرکز و یا بالاخره در برون از مرزها زندگی فلاکت‌بار را به سر برده‌اند. در این‌جا از آرامش و رفاه اصطناعی خبری ثبت نگردیده اما از بی‌سروشستی و ناامیدی داستان‌ها و دیوان‌های زیادی آرشیف گردیده است.

سیاست‌گران قدرتمند جهانی تا اوایل قرن بیستم از مهره‌ها و افراد سنتی به عنوان ابزار سیاسی کار می‌گرفتند. اما در قرن ۲۰ اوضاع اندک تغییر کرد، پس از نیمه اول قرن ۲۰ مسکو بر لندن و واشنگتن چیره گردید، چهره اعیان اجتماعات چند قومی هم تغییر کرد، دیگر آن اعیان صاحب عامه و عبا در رأس هرم قدرت نبود، به جای آن مستمری خوران نکتایی‌پوش بر اریکه قدرت دست یافتند. بازیگران جهانی به دنبال مهره‌های عبا و عمامه و نکتایی‌دارشان هر کدام برنامه‌ی خاص را تعقیب می‌کردند. سرانجام پس از کودتای ۷ ثور، در تقابل بالتراتیف کودتاچیان روی عبا و عمامه بار دیگر سرمایه‌گذاری جدید گردید، در این سرمایه‌گذاری بنا به تأثیرات کم و یا زیاد اعیان اجتماعات دور از قدرت هم شریک ساخته شد.

در وضعیت جدید شبکه‌های قدرت در سرتاسر کشور

حمایت روس‌ها از طالبان تنها مربوط و منوط به دشمنی این جنبش با امریکایی‌ها یا ناتو نمی‌گردد. روس‌ها طالبان را نمادی از یک جنبش سیاسی-مذهبی قومی می‌دانند، که همانند هم‌تباران‌شان نگاه توسعه‌طلبانه و آن هم فراتر از افغانستان در آسیای میانه ندارند. این جنبش قومی می‌تواند بسیار به آسانی جنوب آسیا را که در آن‌جا ریشه‌های عمیق قومی، عقیدتی و اجتماعی دارند، هدف قرار داده و همانند حزب دموکراتیک خلق افغانستان، نقش پیش قراول روس‌ها را در دسترسی به آب‌های گرم بحر هند بازی نمایند.

پیش از این روس‌ها ظاهران از تجددگرایی و توسعه سیاسی در افغانستان حمایت می‌کردند. حمایت روس‌ها از امیر امان الله و از سکتور دولتی در دوران محمد ظاهر، شاه سابق و یا از کودتاچیان ۷ ثور اغلب نه مداخله سیاسی بلکه دفاع از مدرنیسم و ترقی خواهی ادعا می‌شد. بازی نوین روس‌ها با بنیادگرایان تروریست، کاملن قابل مقایسه با حمایت از کودتاچیان ۷ ثوری است.

نوع تفکر کودتاچیان نسبت به مسئله اقوام و بهره‌برداری از جاذبه سوسیالیسم در آن عهد کاملن مشابه به نگاه طالبان راجع به مسئله اقوام و سودجویی از اعتقادات دینی مردم است. جناح نیونازیست کودتاچیان، که پس از مرگ حفیظ الله امین خود را در محوریت تنی و جنرالان همکارش سازمان داده بودند، پس از شکست کودتا در پروتوکولی که با حکمتیار داشتند، در بست به آن جریان تسلیم گردیدند. دیری نگذشت که طالبان با برافراشتن همان داعیه‌ی دینی به آسانی توانست جنوب کشور را با خود هماهنگ سازد. این هماهنگی قومی نیونازی‌های ته

- تنها "گپ مردم" بازتاب‌دهنده‌ی موضع‌گیری رسمی نشریه است و مسئولیت نوشته‌های دیگر به عهده‌ی نویسندگان آن می‌باشد.
- "صدای مردم افغانستان"، از ارسال نوشته‌های خوب شما استقبال می‌کند. اداره‌ی نشریه در ویرایش، نشر و یا عدم نشر نوشته‌ها دست باز دارد.

فیس‌بوک: هفته‌نامه صدای مردم  
آدرس دفتر: کابل، کارته ۳، سرک شش، نزدیک ریاست پاسپورت

مدیر مسئول  
عبدالخالق آزاد  
شماره‌ی تماس: ۰۷۹۸۵۷۷۸۰۸  
سر دبیر  
مریم مهتر  
ایمیل: mnabavi3@gmail.com  
ایمیل: sadaaym@gmail.com  
زیر نظر شورای نویسندگان

مریم مهتر

نقد اجتماعی

## نقدی بر سخنان عالی جنابان سلطانی و ارشاد

بسم الله یاورى

توقعات آرمانی، تولید کننده‌ی ناامیدی در تفکر آدمی می‌شود. خیلی از منتقدان؛ جامعه‌شناسان و رشته جامعه‌شناسی، به آرمانی اندیشی جامعه‌شناسان معتقدند، البته تا حدی این نوع تفکر در مورد جامعه‌شناسان دقیقین صدق می‌کند. زیرا جامعه‌شناسان رادیکال، برای تغییر حوزه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی جامعه نگاه رادیکال دارند و معتقدند که با گفتن حلاوا حلاوا دهن شیرین نمی‌شود بلکه برای تغییرات اجتماعی باید همه چیز را از بنیه تغییر داد. مثلن مارکس عدالت اجتماعی را در فروپاشی نظام فئودالیسم می‌داند و برای فروپاشی چنین رژیم بی‌انصاف باید طبقه‌ی کارگر متوسل به انقلاب شود نه توسل به لابی‌گری و ادغام شدن در درون نظام. اما عالی جنابان آقای سلطانی و آقای ارشاد در سخنرانی که نمودند واقعیت‌های تلخ تاریخی نسل آوارهی ما را در حاشیه‌ی فراموشی سپرده‌اند. سخنان این دو روشنفکر عزیز ما چنان ناشی بود که اگر از توانایی‌های علمی این دو اندیشمند بی‌خبر می‌بودم سخنان‌شان را حمل بر بی‌سوادی‌شان می‌کردم. جناب سلطانی و ارشاد گرام! سخنان شما ضمن اینکه منعکس کننده واقعیت تلخ زندگی عزیزان‌مان در غرب بود، حکایت‌گر فراموشی شما عزیزان از جریان تاریخ نسلی ما نیز بودند یا حداقل به این واقعیت تلخ تاریخی به چند لحاظ توجه نکرده‌اید. یکم: مهاجرتی که از خرابستان آواره شدند و با تحمل و تقبل خطرات جدی مرگ، خود را به استرالیا و اروپا رسانده‌اند بخاطر پر نمودن شکم گرسنه فرزندان‌شان این کار را کرده‌اند نه به قصد کاندیداتوری در مقام ریاست دولت و یا کدام پست‌های کلیدی دولتی. دوم: مردم ما در تاریخ دودست پنجاه ساله‌ی خویش برای زنده ماندن جنگیدند، نه برای تصاحب قدرت. جوالی‌گری حداقل شغلی بوده برای تنازع بقای حیات این مردم استفاده شده است. سوم: انحصار قدرت، نسل‌کشی از نوع کله منار و سلاخی عبدالرحمانی و تفکر انحصاری فاشیستی یک تبار خاص، باعث شده تا مردم ما حتی فکر دست زدن به سویچ‌های بالا را نکنند. چهارم: قیاس سبک زندگی مهاجرین با شهروندان اصیل یک کشور به فکر مغالطه‌ی بیش نبوده، و توقع داشتن نامطلوب دال بر صدق بیان شما نیست بلکه بیانگر سطحی‌نگری شما می‌باشد. پنجم: تا فقر حاکم بلا منازع اندیشه‌های ماست و تا روده‌های وابستگان ما در شوق از خالی بودن مثل قیلون قُر قُر می‌کند، مهاجران ما در غرب بجای اندیشیدن به وکالت و ریاست به خاموش کردن صدای دلخراش روده‌های ما می‌اندیشند. صحبت‌های شما مثل حکایت همان تظاهرات خیابانی مردم ما در عصر ظاهر شاه بود که مردم می‌گفت ما نان می‌خواهیم فرزند ظاهر شاه می‌گفت که این مردم دیوانه است چرا قبایلی پلو نوش جان نمی‌کنند.

## بهبان‌های کوچک و دلخوشی‌های بزرگ



انسان‌های افغانستانی بیشتر دچار این حالت کشنده شده‌اند. اما در هر صورت ممکن باید خودمان را از این حالت نجات داد. من نیز مانند بقیه از هر فرصت بدست آمده، ولو کوچک، می‌خواهم استفاده کنم و خودم را از این روزمرگی نجات دهم. به دور از تمامی دغدغه‌های زندگی یک انسان افغانستانی، گاهی باید برای خودمان زیست و از خودمان پذیرایی کرد. تصمیم گرفتم به یکی از تپه‌های شهرک امید سبز بروم، زیرا نزدیک‌ترین و کم‌هزینه‌ترین تفریح‌گاه، برای مردمان غرب کابل دامنه‌ی کوه شهرک امید سبز است. وقتی به آن‌جا رسیدم مردمان زیادی را دیدم که همراه فامیل‌شان برای تفریح آمده بودند. به اطرافم نگریستم و روحیه‌ی افراد را از نظر گذراندم. همه خوشحال بودند و می‌خندیدند. به جرأت می‌توان گفت هیچ کسی آن‌جا غمگین نبود. خانواده‌ها دسته دسته با وسایل‌شان بر تپه‌ها بالا می‌شدند. فرش، ظرف، اجاق، مواد خوراکی و برخی‌ها با یک توپ فوتبال یا بسکتبال بر بلندی تپه‌های شهرک امید سبز روان بودند. من و همراهانم نیز وسایل تفریح زیادی با خود داشتیم. غذای سبکی تهیه کردیم و خوردیم. شاید این غذا سبک و با پول اندکی تهیه شده بود اما مزه‌اش از هر غذای دیگری بهتر بود. این غذا را هنگامی نوش جان می‌کردیم که دور از هر گونه دغدغه‌های زندگی یک انسان افغانستانی به سر می‌بردیم و خودمان را در امنیت کابل حس می‌کردیم. زندگی در افغانستان با انتحاری و کشتن و مُردن عجین شده است. طوری که یکی از دوستانم می‌گفت، در افغانستان کشته شدن حق ماست! طوری که هر مُردن حق هر انسان است، در افغانستان کشته شدن حالا حق هر انسان است. به عبارت دیگر زندگی در افغانستان اتفاق است، ممکن است همین حالا از جایی بگذری و چند ثانیه بعدترش، درست در همان‌جا انفجار عظیمی رخ دهد و جان ده‌ها انسان را بگیرد. پس ما افغانستانی‌ها باید بیشتر از دیگر آدم‌ها به زندگی دلبسته باشیم و از لحظه‌های زنده بودن و باهمی‌مان لذت ببریم. هیچ کس نمی‌داند تا چه زمانی زنده است و کی قربانی یک حمله‌ی انتحاری می‌شود.

جا گل آلود شود. این باران نوروزی برخی‌ها را از تفریح نوروزی می‌اندازد و برخی‌ها هم به دلیل باریدن باران کمابیش خوشحال می‌شوند. کابل از جمله معدود پایتخت‌های دنیاست که حتا به تعداد شمار انگشتان دست یک فرد، مکانی برای تفریح ندارد. جاهایی هم که برای تفریح اختصاص داده شده، از شهر بسیار دور است و برای رسیدن به آن باید وقت و پول زیادی را کنار گذاشت. کابل با در نظر داشت دوری از مکان‌های تفریحی اطراف کابل، اکنون تلاش می‌کنند روزهای خوشی‌شان را در تپه‌ها و دامنه‌ی کوه‌ها سپری کنند. یکی از مزیت‌های این نقاط، فضای پاک و خالی از هر گونه گرد و غبار است. در همین کوهپایه‌هاست که می‌توان از گردوغبار و هوای وحشتناک کابل اندکی دور بود و طعم آزادی و زندگی را با تمام وجود لمس کرد. روز اول سال نو روان خورشیدی، هنگامی که باران به شدت شروع به باریدن کرد، از این‌که جایی رفته نمی‌توانستم غمگین بودم. وقتی این حرف را با یکی از اعضای فامیل در میان گذاشتم وی گفت که از باریدن باران خوشحال است و این باران به نوعی حکمت الهی است که برای نجات جان انسان‌ها از آسمان نازل شده است. وی به این نظر بود که در روزهای عید که شهر و نقاط تفریحی کابل شلوغ می‌شود، تروریستان با نقشه‌های شوم‌شان درصد گرفتن جان انسان‌ها می‌برایند. ناامنی در کشور به حدی رسیده است که مردم حالا نترفتن به تفریح را نیز به فال نیک می‌گیرند و از آن خشنود هستند. تقریباً تمام انسان‌ها دچار روزمرگی ترسناکی شده‌ایم و

زندگی در افغانستان با انتحاری و کشتن و مُردن عجین شده است. طوری که یکی از دوستانم

می‌گفت، در افغانستان کشته شدن حق ماست! طوری که هر مُردن حق هر انسان است، در

افغانستان کشته شدن حالا حق هر انسان است. به عبارت دیگر زندگی در افغانستان اتفاق

است، ممکن است همین حالا از جایی بگذری و چند ثانیه بعدترش، درست در همان‌جا انفجار

عظیمی رخ دهد و جان ده‌ها انسان را بگیرد. پس ما افغانستانی‌ها باید بیشتر از دیگر آدم‌ها به

زندگی دلبسته باشیم و از لحظه‌های زنده بودن و باهمی‌مان لذت ببریم. هیچ کس نمی‌داند تا

چه زمانی زنده است و کی قربانی یک حمله‌ی انتحاری می‌شود.